**اظهارنظر عمومی شمارۀ ۲۷:
 زنان مسن‌تر و حمایت از حقوق بشر آن‌ها
جلسه چهل و هفتم**

**مقدمه**

۱. کمیتۀ مبارزه با تبعیض علیه زنان (ازاین‌پس کمیته نامیده می‌شود)، از انواع مختلف تبعیض که زنان مسن‌تر با آن مواجه هستند و از نبود طرح حقوق زنان مسن‌تر به‌طور سیستماتیک در گزارش کشورهای عضو، ابراز نگرانی کرده است. کمیته در جلسۀ ۴۲ که از تاریخ ۲۰ اکتبر تا ۷ نوامبر ۲۰۰۸ برگزار شد، با توجه ‌به مادۀ ۲۱ کنوانسیون رفع همۀ انواع تبعیض علیه زنان (بعدازاین کنوانسیون نامیده می‌شود)، تصمیم به ارائۀ یک اظهارنظر عمومی در ارتباط ‌با زنان مسن و حمایت از حقوق بشر آن‌ها گرفت.

۲. کمیته در تصمیم ۳/۲۶ در پنجم جولای ۲۰۰۲، اذعان کرد که کنوانسیون «ابزاری مهم برای رسیدگی به موضوع خاص حقوق بشر زنان مسن است.» اظهارنظر عمومی شمارۀ ۲۵ کنوانسیون دربارۀ پاراگراف ۱ مادۀ ۴ کنوانسیون (اقدامات ویژۀ موقت) نیز سن را یکی از دلایلی برشمرده که بر اساس آن، زنان ممکن است از انواع مختلف تبعیض رنج ببرند. به‌طور خاص، کمیته نیاز به داده‌های آماری را با توجه ‌به سن و جنس، به منظور ارزیابی وضعیت زنان مسن‌تر به رسمیت شناخته است.

۳. کمیته تعهدات قبلی نسبت به حقوق زنان مسن‌تر را تأیید می‌کند که از میان آن‌ها در برنامۀ‌ عمل وین دربارۀ سال‌خوردگی؛ اعلامیه و برنامۀ عمل پکن؛ اصول سازمان ملل متحد برای افراد سال‌خورده (قطعنامۀ ۴۶/۹۱ مجمع عمومی، پیوست)؛ برنامۀ عمل کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه؛ برنامۀ عمل بین‌المللی مادرید درزمینۀ سال‌خوردگی در سال ۲۰۰۲؛ اظهارنظر عمومی شمارۀ ۶ کمیتۀ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دربارۀ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد مسن (۱۹۹۵) و اظهارنظر عمومی شمارۀ ۱۹ دربارۀ امنیت اجتماعی (۲۰۰۸) آمده است.

**پیش‌زمینه**

۴. ارقام کنونی سازمان ملل برآورد می‌کنند که در مدت ۳۶ سال، تعداد افراد بالای ۶۰ سال از کودکان زیر ۱۵ سال، در سطح جهان بیشتر خواهد شد. برآورد شده است که تا سال ۲۰۵۰، تعداد سال‌خوردگان بیش از ۲ میلیارد یا ۲۲ درصد (دو برابر ۱۱ درصد جمعیت بالای ۶۰ سال فعلی) از کل جمعیت جهان است.

۵. ماهیت جنسیتی پیری نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان عمر می‌کنند و زنان مسن‌تر بیشتری نسبت به مردان مسن، تنها زندگی می‌کنند. درازای هر ۱۰۰ زن بالای ۶۰ سال سن، ۸۳ مرد و درازای هر ۱۰۰ زن بالای ۸۰ سال، تنها ۵۹ مرد وجود دارد. آمارگیری از قسمت امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل نشان می‌دهد که ۸۰ درصد مردان بالای ۶۰ سال ازدواج کرده‌اند. این آمار برای زنان ۴۸ درصد است.

۶. آمار سال‌خوردگی بی‌سابقه، با توجه‌ به بهبود استانداردهای زندگی و سیستم‌های مراقبت‌های بهداشتی اولیه و همچنین، کاهش باروری و افزایش طول عمر، می‌تواند نتیجه‌ای موفقیت‌آمیز از تلاش‌های توسعه باشد و آنچه قرار است ادامه یابد تا قرن 21 را به قرن پیری مبدل کند. بااین‌حال، چنین تغییرات جمعیتی پیامدهای عمیق حقوق بشری دارد و ضرورت رسیدگی جامع‌تر و منظم‌تر به تبعیض علیه زنان مسن‌تر از طریق کنوانسیون را افزایش می‌دهد.

۷. مسئلۀ پیری امری مشترک در کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه است. انتظار می‌رود نسبت افراد سال‌خورده در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، از ۸ درصد در سال ۲۰۱۰، به ۲۰ درصد در سال ۲۰۵۰ افزایش یابد. این در حالی است که نسبت کودکان از ۲۹ درصد، به ۲۰ درصد کاهش خواهد یافت. تعداد زنان سال‌خورده در مناطق کمتر توسعه‌یافته طی سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۵۰، به میزان ۶۰۰ میلیون افزایش خواهد یافت. این تغییر، چالش‌های عمده‌ای برای کشورهای درحال‌توسعه به وجود می‌آورد. پیر شدن جامعه یک روند تثبیت‌شده و یکی از ویژگی‌های قابل‌توجه در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته است.

۸. زنان سالمند یک گروه همگن نیستند. آن‌ها دارای تنوع زیادی از تجربه، دانش، توانایی و مهارت هستند؛ اما وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها به متغیرهای جمعیتی، سیاسی، محیطی، فرهنگی، اجتماعی، فردی و خانوادگی بستگی دارد. مشارکت زنان مسن در زندگی عمومی و خصوصی به‌عنوان رهبران جوامع، کارآفرینان، مراقبان، مشاوران و میانجیگری‌ها، ازجمله نقش‌های بسیار ارزشمند است.

**هدف**

۹. این اظهارنظر عمومی دربارۀ زنان مسن و ارتقای حقوق آن‌ها، رابطۀ میان مواد کنوانسیون و پیری را بررسی می‌کند؛ انواع مختلفی از تبعیض را که زنان با آن مواجه می‌شوند، شناسایی می‌کند و نیز محتویات تعهدات کشورهای عضو در رابطه ‌با پیری با شرافت و حقوق زنان مسن‌تر را برمی‌شمرد. همچنین، شامل توصیه‌های سیاستی است که هدف اصلی آن گنجاندن پاسخ‌گویی به نگرانی‌های زنان مسن‌تر در استراتژی‌های ملی، طرح‌های توسعه و اقدام مثبت است تا زنان مسن بتوانند بدون تبعیض و هم اندازه با مردان، در جامعه شرکت کنند.

۱۰. اظهارنظر عمومی همچنین، به دولت‌های عضو برای گنجاندن وضعیت زنان مسن در گزارش‌های خود دربارۀ اجرای کنوانسیون کمک می‌کند. از بین‌ بردن همۀ انواع تبعیض علیه زنان مسن فقط با احترام و محافظت از شأن و منافع آن‌ها و حق آن‌ها بر تمامیت خود و عزت‌نفس حاصل می‌شود.

**حوزه‌های خاص نگرانی**

۱۱. درحالی‌که هم مردان و هم زنان با گذشت عمر تبعیض را تجربه می‌کنند، زنان سال‌خوردگی را به شکل دیگری تجربه می‌کنند. تأثیر نابرابری جنسیتی در طول عمر در سالمندان تشدید می‌شود که اغلب، بر اساس قوانین فرهنگی و اجتماعی عمیق و ریشه‌دار است. تبعیضی که زنان مسن‌تر تجربه می‌کنند، اغلب ناشی از تخصیص ناعادلانۀ منابع، بدرفتاری، غفلت و دسترسی محدود به خدمات اساسی است.

۱۲. اشکال بنیادی تبعیض علیه زنان مسن می‌تواند به‌طور چشمگیری تحت شرایط مختلف اجتماعی و اقتصادی و در محیط‌های مختلف اجتماعی فرهنگی، بسته به برابری فرصت‌ها و انتخاب‌های مربوط به تحصیل، اشتغال، بهداشت، زندگی خانوادگی و خصوصی متفاوت باشد. در بسیاری از کشورها، فقدان مهارت‌های ارتباطات، دسترسی به مسکن مناسب، خدمات اجتماعی و اینترنت، تنهایی و انزوا، مشکلاتی برای زنان مسن ایجاد می‌کند. زنان سالمند ساکن در مناطق روستایی یا فقیرنشین شهری، اغلب از فقدان شدید منابع اساسی برای زندگی، امنیت درآمد، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، اطلاعات دربارۀ حقوقشان و بهره‌مندی از آن‌ها رنج می‌برند.

۱۳. تبعیضی که توسط زنان مسن تجربه می‌شود، اغلب چندبعدی است که فاکتور سن، انواع دیگر تبعیض بر اساس جنسیت، منشأ قومی، معلولیت، سطح فقر، گرایش جنسی و هویت جنسیتی، وضعیت مهاجرت، وضعیت زناشویی و خانوادگی، سواد و سایر زمینه‌ها را در هم می‌آمیزد. زنان سال‌خورده که عضو گروه اقلیت قومی یا بومی، بی‌جا شدگان داخلی یا افراد بی‌خانمان هستند، اغلب میزان بی‌تناسبی از تبعیض را تجربه می‌کنند.

۱۴. بسیاری از زنان سالخورده با بی‌توجهی مواجه می‌شوند؛ زیرا آن‌ها دیگر در نقش‌های تولیدی و باروری خود مفید نیستند و به‌عنوان باری بر دوش خانواده‌هایشان دیده می‌شوند. در شرایطی که عدم دسترسی یا دسترسی محدود به خدمات بهداشتی و درمانی برای بیماری‌ها و شرایطی مانند دیابت، سرطان، فشارخون بالا، بیماری‌های قلبی، آب مروارید، پوکی استخوان و آلزایمر، مانع بهره‌مندی کامل زنان مسن از حقوقشان می‌شود، بیوگی و طلاق نیز باعث تشدید تبعیض می‌شود.

۱۵. توسعۀ کامل و پیشرفت زنان فقط از طریق یک رویکرد چرخۀ زندگی قابل‌دستیابی است که مراحل مختلف زندگی زنان را از دوران کودکی تا نوجوانی، بزرگ‌سالی تا سال‌خوردگی و تأثیر هر مرحله را بر بهره‌مند شدن از حقوق بشر توسط زنان مسن‌تر به رسمیت می‌شناسد. حقوق مندرج در کنوانسیون در تمام مراحل زندگی یک زن قابل‌اجراست. بااین‌حال در بسیاری از کشورها، تبعیض بر اساس سن هنوز در سطح فردی، نهادی و سیاست‌گذاری پذیرفته و تحمل می‌شود و تعداد محدودی از کشورها قوانینی دارند که تبعیض بر اساس سن را ممنوع کرده است.

۱۶. کلیشه‌های جنسیتی و شیوه‌های سنتی و معمول ممکن است تأثیرات مضری در تمام زمینه‌های زندگی زنان مسن و به‌ویژه افراد دارای معلولیت داشته باشد؛ از جمله روابط خانوادگی، نقش‌های اجتماعی، تصویر در رسانه‌ها، نگرش کارفرمایان، مراقبت‌های بهداشتی و سایر ارائه‌دهندگان خدمات. همچنین، ممکن است به خشونت فیزیکی و سوءاستفادۀ روانی، کلامی و مالی منجر شود.

۱۷. زنان مسن‌تر اغلب، به‌واسطۀ محدودیت‌هایی که مانع مشارکت آن‌ها در روند سیاسی و تصمیم‌گیری می‌شود، مورد تبعیض واقع می‌شوند. برای مثال، نداشتن مدارک شناسایی یا عدم دسترسی به حمل‌ونقل ممکن است از رأی دادن زنان مسن‌تر جلوگیری کند. در برخی کشورها، زنان مسن‌تر مجاز نیستند در انجمن‌ها یا سایر گروه‌های غیردولتی برای مبارزه دربارۀ حقوق خود مشارکت کنند. علاوه ‌بر این، سن بازنشستگی اجباری ممکن است برای زنان کمتر از مردان باشد که این امر علیه زنان، از جمله آن‌هایی که دولت‌های خود را در سطح بین‌المللی نمایندگی می‌کنند، تبعیض‌آمیز است.

۱۸. زنان سال‌خورده با وضعیت پناهندگی یا افراد بی‌پناه یا پناه‌جویان و همچنین، کسانی که کارگران مهاجر یا آوارگان داخلی هستند، اغلب با تبعیض، سوءاستفاده و غفلت مواجه‌اند. زنان سالمند تحت تأثیر جابه‌جایی اجباری یا بی‌خانمانی ممکن است از سندرم استرس پس از سانحه رنج ببرند که این پدیده ممکن است توسط فراهم‌کنندگان مراقبت‌های بهداشتی شناسایی و درمان نشود. زنان سال‌خوردۀ پناهنده یا آوارگان داخلی گاهی اوقات، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی را از دست می‌دهند؛ زیرا آن‌ها دارای وضعیت قانونی یا اسناد حقوقی نیستند یا در مکان‌هایی دور از مراکز بهداشتی و درمانی استقرار یافته‌اند. آن‌ها ممکن است موانع فرهنگی و زبانی را نیز برای دسترسی به خدمات تجربه کنند.

۱۹. کارفرمایان اغلب، زنان مسن را به‌عنوان سرمایه‌گذاری غیر سودآور برای آموزش‌وپرورش و آموزش حرفه‌ای در نظر می‌گیرند. زنان مسن‌تر نیز فرصت‌های برابر برای یادگیری فناوری اطلاعات مدرن و منابع به دست آوردن آن‌ها را ندارند. بسیاری از زنان فقیر سال‌خورده، به‌ویژه کسانی که دارای معلولیت هستند و کسانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، از حق تحصیل محروم شده و آموزش رسمی یا غیررسمی نمی‌بینند یا از آموزش کمی برخوردار می‌شوند. بی‌سوادی می‌تواند به‌طور کامل، مشارکت زنان مسن را در زندگی عمومی و سیاسی، اقتصاد و دسترسی به طیف وسیعی از خدمات، حقوق و فعالیت‌های تفریحی محدود کند.

۲۰. زنان در بخش اشتغال رسمی کمتر هستند. زنان از مردان برای کار مشابه یا کاری با ارزش برابر، دستمزد کمتری دریافت می‌کنند. علاوه‌براین، تبعیض جنسیتی درزمینۀ اشتغال در طول زندگی زنان تأثیر زیادی بر دوران سال‌خوردگی دارد و باعث می‌شود زنان مسن درآمد و حقوق بازنشستگی ناچیزی داشته باشند یا حتی هیچ حق بازنشستگی در مقایسه با مردان نداشته باشند. در اظهارنظر عمومی شمارۀ ۱۹، کمیتۀ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعلام می‌کند که در اکثر کشورها، حقوق بازنشستگی بدون مشارکت مورد نیاز است؛ زیرا بعید است که همۀ افراد با طرح‌های مشارکتی تحت پوشش قرار گیرند (پاراگراف ۴ (ب))؛ درحالی‌که بند (ب) پاراگراف ۲ مادۀ ۲۸ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، حمایت از زنان مسن‌تر، به‌ویژه افراد دارای معلولیت را در نظر می‌گیرد. ازآنجایی‌که حقوق بازنشستگی سالمندان معمولاً با میزان درآمد در طول زندگی فعال ارتباط مستقیم دارد، حقوق بازنشستگی زنان مسن اغلب، در مقایسه با مردان، کمتر است. علاوه‌براین، زنان مسن به‌ویژه تحت تأثیر تبعیض بر اساس سن و جنس قرار می‌گیرند که به سن بازنشستگی اجباری متفاوت برای آن‌ها نسبت به مردان منجر می‌شود. سن بازنشستگی اختیاری باید برای زنان در نظر گرفته شود تا حقوق زنان مسن‌تر برای ادامۀ کار در صورت تمایل و در صورت لزوم، اندوختن بازنشستگی برابر با مردان، حفظ شود. این یک واقعیت است که بسیاری از زنان مسن‌تر، مراقب و گاه تنها مراقب فرزندان وابسته، همسر یا شریک زندگی، والدین یا بستگان سال‌خوردۀ خود هستند. هزینۀ مالی و عاطفی این مراقبت بدون مزد، به ندرت شناخته شده است.

۲۱. به حق زنان سال‌خورده نسبت به تمامیت خود و رضايت دررابطه‌با مراقبت‌هاي بهداشتي، همیشه احترام گذاشته نمی‌شود. زمانی که هزینه‌های عمومی کاهش می‌یابد، خدمات اجتماعی ازجمله مراقبت طولانی‌مدت، برای زنان مسن‌تر ممکن است به‌طور نامناسب کاهش یابد. به نظر می‌رسد مسائل مربوط به دوران بعد از یائسگی، پس از تولیدمثل و سایر مسائل سلامتی جسم و روح مرتبط با سن و جنس در تحقیقات، مطالعات علمی، سیاست‌های عمومی و ارائۀ خدمات، نادیده گرفته می‌شوند. اطلاعات مربوط به سلامت جنسی و اچ آی وی یا ایدز به ندرت به نحو قابل قبولی، در دسترس و مناسب برای زنان مسن ارائه می‌شود. بسیاری از زنان مسن‌تر، بیمۀ خصوصی ندارند یا از طرح‌های مالی دولتی حذف می‌شوند؛ زیرا آن‌ها در طول زندگی کاری خود در بخش غیررسمی یا مراقبت بدون مزد، در طرح مشارکت نکرده‌اند.

۲۲. زنان سال‌خورده چنانچه والدین یا مراقب قانونی کودکان تحت مراقبت خود نباشند، ممکن است واجد شرایط دریافت مزایای خانوادگی نشوند.

۲۳. طرح‌های اعتباری و مالی معمولاً دارای محدودیت‌های سنی یا معیارهای دیگری هستند که از دسترسی زنان مسن‌تر جلوگیری می‌کنند. بسیاری از زنان مسن‌تر، به‌ویژه کسانی که در خانه‌های خود هستند، قادر به شرکت در فعالیت‌های فرهنگی، تفریحی و اجتماعی نیستند که این امر آن‌ها را منزوی می‌کند و تأثیر منفی بر سلامت آن‌ها دارد. اغلب، توجه کافی به ملزومات زندگی مستقل، مانند کمک‌های شخصی، مسکن مناسب و ازجمله تسهیلات مسکن قابل‌دسترسی و کمک‌های تحرکی، صورت نمی‌گیرد.

۲۴. در بسیاری از کشورها، اکثر زنان مسن‌تر، در مناطق روستایی زندگی می‌کنند؛ جایی که دسترسی آن‌ها به خدمات به دلیل سن و سطح فقر آن‌ها دشوارتر است. بسیاری از زنان مسن‌تر، به‌طور دائم و کافی پولی از فرزندان خود که کارگران مهاجر هستند، دریافت نمی‌کنند یا اصلاً هیچ پولی دریافت نمی‌کنند. انکار حق آن‌ها بر آب، غذا و مسکن، بخشی از زندگی روزمرۀ بسیاری از زنان سال‌خوردۀ فقیر روستایی است. زنان سال‌خورده به علت عواملی مانند قیمت بالای مواد غذایی و ناکافی بودن درآمد به علت تبعیض در اشتغال، تأمین اجتماعی و دسترسی به منابع، ممکن است قادر به تهیۀ غذای مناسب نباشند. عدم دسترسی به حمل‌ونقل، مانع دسترسی زنان سال‌خورده به خدمات اجتماعی و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی است. چنین عدم دسترسی ممکن است به دلیل درآمد کم زنان سال‌خورده و ناکافی بودن سیاست عمومی در ارائۀ حمل‌ونقل عمومی مقرون‌به‌صرفه و قابل‌دسترس برای پاسخ‌گویی به نیازهای زنان مسن‌تر باشد.

۲۵. تغییرات اقلیمی به نحو متفاوتی بر زنان و به‌ویژه زنان مسن تأثیر می‌گذارد؛ چراکه به علت تفاوت‌های فیزیولوژیکی، توانایی‌های فیزیکی، سن و جنسیت و نیز هنجارهای اجتماعی و نقش‌ها، توزیع نامناسب کمک‌ها و منابع مربوط به سلسله‌مراتب اجتماعی، به‌طور خاص در مواجهه با بلایای طبیعی آسیب‌پذیرند. دسترسی محدود آن‌ها به منابع و روند تصمیم‌گیری، آسیب‌پذیری آن‌ها را به تغییرات آب‌وهوایی افزایش می‌دهد.

۲۶. مطابق برخی قوانین قانونی و عرفی، زنان حق ارث ‌بردن و ادارۀ خانۀ زناشویی را پس از مرگ همسر خود ندارند. برخی از سیستم‌های قانونی، این امر را با ارائۀ راه‌های دیگر امنیت اقتصادی مانند پرداخت کمک از املاک مرحوم توجیه می‌کنند. بااین‌حال در واقع، چنین مقرراتی به ندرت اجرا می‌شود و بیوه‌ها اغلب، بی‌بهره می‌مانند. بعضی از قوانین به‌ویژه علیه زنان بیوۀ سال‌خورده، تبعیض‌آمیز است و بعضی از بیوه‌ها قربانی «گرفتن اموال» می‌شوند.

۲۷. زنان سال‌خورده به خصوص، در معرض سوءاستفاده و استثمار قرار دارند ازجمله سوءاستفادۀ اقتصادی، زمانی که ظرفیت قانونی آن‌ها بدون رضایتشان به وکلا یا اعضای خانواده‌شان منتقل می‌شود.

۲۸. اظهارنظر عمومی شمارۀ ۲۱ (۱۹۹۴) کمیته بیان می‌کند که «چندهمسری حق زن به برابری با مرد را نقض می‌کند و ممکن است عواقب عاطفی و مالی جدی برای او و وابستگانش داشته باشد؛ ازاین‌رو، چندهمسری باید نکوهش و ممنوع شود» (پاراگراف ۱۴). بااین‌حال، هنوز چندهمسری در بسیاری از کشورهای عضو وجود دارد و بسیاری از زنان در چنین ازدواج‌هایی هستند. همسران قدیمی‌تر در چندهمسری، به محض اینکه از نظر باروری و اقتصادی دیگر فعال نباشند، نادیده گرفته می‌شوند.

**توصیه‌ها؛ کلی**

۲۹. کشورهای عضو باید تشخیص دهند که زنان سال‌خورده منبع مهمی برای جامعه هستند و باید همۀ اقدامات مناسب ازجمله قانون‌گذاری را برای از بین‌ بردن تبعیض علیه زنان سال‌خورده اتخاذ کنند. کشورهای عضو باید سیاست‌ها و اقدامات حساس و متناسب با جنسیت ازجمله اقدامات ویژۀ موقت، مطابق با پاراگراف ۱ مادۀ ۴ کنوانسیون و اظهارنظرهای عمومی شمارۀ ۲۳ (۱۹۹۷) و شمارۀ ۲۵ (۲۰۰۴) کمیته، برای اطمینان از اینکه زنان سال‌خورده به‌طور کامل و مؤثر در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زندگی مدنی و هر زمینۀ دیگری در جوامع خود مشارکت دارند، اتخاذ کنند.

۳۰. کشورهای عضو متعهد هستند توسعه و پیشرفت کامل زنان را در تمام دوران زندگی آن‌ها، در زمان صلح و درگیری و همچنین، در زمان رویداد هر فاجعۀ انسانی یا طبیعی تضمین کنند؛ بنابراین، کشورهای عضو باید اطمینان یابند که هدف تمام مقررات قانونی، سیاست‌ها و مداخلات، توسعۀ کامل و پیشرفت زنان است و برعلیه زنان سال‌خورده تبعیض‌آمیز نیستند.

۳۱. تعهدات کشورهای عضو باید ماهیت چندبعدی تبعیض علیه زنان را در نظر بگیرند و اطمینان یابند که اصل برابری جنسیتی در سراسر چرخۀ زندگی زنان، در قانون و در اجرای عملی آن اعمال می‌شود. در این راستا، از کشورهای عضو خواسته می‌شود که قوانین، مقررات و آداب‌ورسومی که علیه زنان سال‌خورده تبعیض‌آمیز است، لغو یا اصلاح کنند و اطمینان یابند که قوانین، تبعیض بر اساس سن و جنس را ممنوع می‌کند.

۳۲. به منظور حمایت از اصلاحات قانونی و شکل‌گیری سیاست، از دولت‌های عضو می‌خواهند که داده‌ها را به تفکیک سن و جنس، جمع‌آوری، تجزیه‌وتحلیل کنند و انتشار دهند؛ به‌طوری‌که دربرگیرندۀ اطلاعاتی دربارۀ وضعیت زنان سال‌خورده باشد؛ ازجمله زنانی که در مناطق روستایی یا مناطق درگیری زندگی می‌کنند و آن‌هایی که متعلق به گروه‌های اقلیت بوده و دارای معلولیت هستند. چنین اطلاعاتی به‌ویژه باید از میان مسائل دیگر، بر فقر، بی‌سوادی، خشونت، کار بدون مزد ازجمله مراقبت از افراد مبتلا به اچ آی وی یا ایدز، مهاجرت، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، مسکن، مزایای اجتماعی و اقتصادی و اشتغال متمرکز باشد.

۳۳. کشورهای عضو باید اطلاعاتی دربارۀ حقوق و نحوۀ دسترسی به خدمات حقوقی را در اختیار زنان سال‌خورده قرار دهند. آن‌ها باید پلیس، قوۀ قضائیه و همچنین، سرویس‌های خدمات حقوقی را دربارۀ حقوق زنان مسن‌تر آموزش دهند و مقامات دولتی و مؤسسات را نسبت به مسائل مربوط به سن و جنس که زنان سال‌خورده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، حساس کنند و به آن‌ها آموزش دهند. اطلاعات، خدمات حقوقی، جبران‌های خسارت مؤثر و بازپرداخت، باید به‌طور مساوی برای زنان مسن دارای معلولیت، موجود و در دسترس باشد.

۳۴. کشورهای عضو باید زنان مسن‌تر را قادر سازند که به دنبال جبران خسارت برای حل‌وفصل نقض حقوق خود ازجمله حق ادارۀ اموال بروند و اطمینان یابند که زنان مسن از ظرفیت‌های قانونی خود به‌طور خودسرانه یا تبعیض‌آمیز محروم نشده‌اند.

۳۵. کشورهای عضو باید اطمینان یابند که تغییرات اقلیمی و اقدامات کاهش خطر فاجعه ازنظر جنسیتی، پاسخ‌گو بوده و به نیازها و آسیب‌پذیری زنان مسن‌تر حساس است. کشورهای عضو همچنین، باید مشارکت زنان مسن را در تصمیم‌گیری دربارۀ تغییرات اقلیمی تسهیل کنند.

**کلیشه‌ها**

۳۶. دولت‌های عضو، وظیفه دارند کلیشه‌های منفی را حذف کرده و الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتارهای مضر برای زنان مسن‌تر را به منظور کاهش سوءاستفاده‌های جسمی، جنسی، روحی، کلامی و اقتصادی که زنان مسن ازجمله افراد دارای معلولیت، بر اساس روش‌های کلیشه‌ای منفی و شیوه‌های فرهنگی تجربه می‌کنند، اصلاح کنند.

 **خشونت**

۳۷. دولت‌های عضو متعهدند که پیش‌نویس قوانینی برای تشخیص و ممنوعیت خشونت ازجمله خشونت خانگی، خشونت جنسی و خشونت در مؤسسات، علیه زنان مسن‌تر ازجمله افراد دارای معلولیت تهیه کنند. کشورهای عضو متعهدند همۀ اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان مسن ازجمله کسانی را که به دلیل رفتارهای سنتی و اعتقادات مرتکب آن شده‌اند، بررسی و محاکمه و مجازات کنند.

۳۸. کشورهای عضو باید به خشونت علیه زنان مسن‌تر در زمان درگیری‌های مسلحانه، تأثیر درگیری‌های مسلحانه بر زندگی زنان مسن و مشارکت زنان مسن‌تر در حل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها و ایجاد پروسه‌های بازسازی، توجه ویژه‌ای کنند. کشورهای عضو باید هنگام توجه به خشونت جنسی، جابه‌جایی اجباری و شرایط پناهندگان در دوران جنگ مسلحانه، وضعیت زنان مسن‌تر را در نظر بگیرند. کشورهای عضو هنگام بررسی چنین مسائلی باید به قطعنامه‌های سازمان ملل متحد دربارۀ زنان، صلح و امنیت ازجمله قطعنامه‌های ۱۳۲۵، (۲۰۰۰)، ۱۸۲۰ (۲۰۰۸) و ۱۸۸۹ (۲۰۰۹) شورای امنیت توجه کنند.

**مشارکت در زندگی عمومی**

۳۹. دولت‌های عضو متعهدند اطمینان یابند که زنان مسن‌تر فرصت حضور در زندگی عمومی و سیاسی و حق انتصاب به پست‌های دولتی در همۀ سطوح را دارند و همچنین، اسناد لازم برای ثبت‌نام به منظور رأی دادن و نامزد انتخابات شدن را در اختیار دارند.

**تحصیلات**

۴۰. دولت‌های عضو متعهد به ایجاد فرصت‌های برابر درزمینۀ آموزش برای زنان در تمام سنین و حصول اطمینان از دسترسی زنان مسن‌تر به آموزش بزرگ‌سالان و فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر و همچنین، اطلاعات آموزشی برای سلامت و رفاه خود و خانواده‌هایشان هستند.

**مزایای کار و حقوق بازنشستگی**

۴۱. دولت‌های عضو متعهد هستند تا مشارکت زنان مسن‌تر را در کار با مزد بدون تبعیض بر اساس سن و جنس تسهیل کنند. کشورهای عضو باید اطمینان یابند که توجه ویژه به مسائلی که زنان سال‌خورده در زندگی کاری خود با آن روبه‌رو می‌شوند، صورت می‌گیرد و آن‌ها مجبور به بازنشستگی زودهنگام یا شرایط مشابه نیستند. کشورهای عضو نیز باید بر تأثیر تفاوت‌های پرداخت حقوق بسته به جنسیت بر زنان مسن، نظارت داشته باشند.

۴۲. دولت‌های عضو متعهدند اطمینان حاصل کنند که سن بازنشستگی در بخش‌های دولتی و خصوصی بر علیه زنان تبعیض‌آمیز نیست. درنتیجه، دولت‌های عضو متعهد هستند اطمینان یابند که سیاست‌های بازنشستگی، به‌هیچ‌وجه تبعیض‌آمیز نیست؛ حتی زمانی که زنان تصمیم به بازنشستگی زودهنگام می‌گیرند و تمام زنان مسنی که فعال بوده‌اند، دسترسی به حقوق بازنشستگی کافی دارند. کشورهای عضو باید تمام اقدامات مناسب ازجمله در صورت لزوم، اقدامات ویژۀ موقت را برای تضمین دریافت چنین حقوق بازنشستگی اتخاذ کنند.

۴۳. کشورهای عضو باید اطمینان یابند که زنان سال‌خورده ازجمله کسانی که مسئول مراقبت از کودکان هستند، به مزایای اجتماعی و اقتصادی مناسب مانند مزایای مراقبت از فرزند دسترسی داشته و همچنین، دسترسی به تمام حمایت‌های لازم را در هنگام مراقبت از والدین سال‌خورده یا بستگان دارند.

۴۴. کشورهای عضو باید به‌طور مساوی با مردان برای تمام زنانی که مستمری بازنشستگی دیگر یا درآمد کافی ندارند، حقوق بازنشستگی غیر مشارکتی در نظر بگیرند و کمک‌های مالی دولت باید برای زنان مسن‌تر، به‌ویژه کسانی که در مناطق دورافتاده یا روستایی زندگی می‌کنند، وجود داشته باشد.

۴۵. دولت‌های عضو باید یک سیاست جامع مراقبت بهداشتی با هدف حمایت از نیازهای بهداشتی زنان سال‌خورده مطابق اظهارنظر عمومی شمارۀ ۲۴ (۱۹۹۹) کمیته دربارۀ زنان و بهداشت در نظر بگیرند. چنین سیاستی باید مراقبت از سلامتی مقرون‌به‌صرفه و قابل‌دسترس را برای همۀ زنان مسن فراهم کنند؛ از طریق از بین ‌بردن هزینه‌های کاربری، آموزش کارکنان بهداشتی در بیماری‌های مربوط به سالمندان، تهیۀ دارو برای درمان بیماری‌های مزمن و مراقبت‌های بهداشتی طولانی‌مدت ازجمله مراقبت‌هایی که به زندگی مستقل و مراقبت تسکین‌دهنده منجر می‌شود. مقررات مراقبت درازمدت باید حاوی اموری باشد که مروج تغییرات رفتاری و شیوۀ زندگی برای تأخیر در شروع مشکلات سلامتی باشد. این امور شامل رفتارهای سالم تغذیه‌ای و شیوۀ زندگی فعال و دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی ازجمله غربالگری و درمان بیماری‌ها، به‌ویژه آن‌هایی که در میان زنان مسن‌تر شایع است، می‌شود. سیاست‌های بهداشتی باید تضمین کنند که مراقبت‌های بهداشتی ارائه‌شده به زنان مسن‌تر ازجمله کسانی که دارای معلولیت هستند، بر اساس رضایت آزاد و آگاهانۀ شخص مربوط است.

۴۶. کشورهای عضو باید برنامه‌های ویژه‌ای را که متناسب با نیازهای جسمی، روحی، احساسی و بهداشتی زنان مسن‌تر طراحی شده است، با تمرکز ویژه بر زنان متعلق به اقلیت‌ها، زنان دارای معلولیت و همچنین، زنان مسئول مراقبت از نوه‌ها و سایر وابستگان جوان خانواده به دلیل مهاجرت جوانان و نیز زنان مراقبت اعضای خانواده که مبتلا به اچ آی وی یا ایدز هستند، اتخاذ کنند.

**توانمندسازی اقتصادی**

۴۷. دولت‌های عضو متعهد هستند تبعیض را در تمام اشکال آن در برابر زنان مسن در زندگی اقتصادی و اجتماعی حذف کنند. همۀ موانع بر اساس سن و جنسیت برای دسترسی به اعتبار و وام کشاورزی باید حذف شود و دسترسی به تکنولوژی مناسب برای کشاورزان مسن زن و مالکان کوچک باید تضمین شود. کشورهای عضو باید سیستم‌های حمایتی ویژه و وام‌های کوچک بدون وثیقه را ارائه دهند و همچنین، کارآفرینی برای زنان مسن‌تر را تشویق کنند. امکانات و تسهیلات برای زنان مسن باید ایجاد شود و برای زنان مسن‌تری که در خانه‌هایشان هستند، خدمات حمایتی باید ارائه شود. کشورهای عضو باید حمل‌ونقل مقرون‌به‌صرفه و مناسب را برای فعال کردن زنان مسن‌تر ازجمله کسانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، برای شرکت در زندگی اقتصادی و اجتماعی و ازجمله فعالیت‌های اجتماعی فراهم کنند.

**منافع اجتماعی**

۴۸. دولت‌های عضو باید اقدامات لازم را برای اطمینان از دسترسی زنان مسن به مسکن مناسب که نیازهای خاص آن‌ها را برآورده می‌کند، اتخاذ کنند و تمامی موانع معماری و دیگر مواردی که مانع از تحرک افراد سال‌خورده شده و به خانه‌نشینی آن‌ها منجر می‌شود، از میان بردارند. کشورهای عضو باید خدمات اجتماعی که زنان مسن را قادر می‌سازد تا در خانه‌های خود باقی بمانند و تا زمانی که ممکن است به‌طور مستقل زندگی کنند، ارائه دهند. قوانین و شیوه‌هایی که تأثیر منفی بر حقوق زنان مسن‌تر درزمینۀ مسکن، زمین و اموال دارد، باید لغو شود. کشورهای عضو باید از زنان سال‌خورده در برابر اخراج اجباری و بی‌خانمانی حمایت کنند.

**زنان روستایی و دیگر زنان آسیب‌پذیر**

۴۹. دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که زنان مسن‌تر در برنامه‌های توسعۀ شهری و روستایی گنجانده شده‌اند و نمایندگی می‌شوند. کشورهای عضو باید از وجود آب، برق و سایر خدمات مشابه مقرون‌به‌صرفه برای زنان مسن‌تر اطمینان یابند. سیاست‌هایی با هدف افزایش دسترسی به آب سالم و بهداشت مناسب باید اطمینان ایجاد کند که فناوری‌های مربوط قابل‌دسترسی است و نیازی به نیروی بدنی ندارد.

۵۰. کشورهای عضو باید قوانین و سیاست‌های متناسب با جنسیت و سن را برای اطمینان از حمایت از زنان مسن‌تر که در وضعیت پناهندگی هستند یا افراد بی‌خانمان و همچنین، افرادی که در معرض آوارگی داخلی یا کارگران مهاجر هستند، اتخاذ کنند.

**ازدواج و زندگی خانوادگی**

۵۱. دولت‌های عضو متعهد به لغو تمام قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان سال‌خورده دررابطه‌با ازدواج و انحلال آن ازجمله در رابطه با اموال و ارث هستند.

۵۲. کشورهای عضو باید همۀ قوانین تبعیض‌آمیز علیه بیوه‌های سال‌خورده دربارۀ حمایت از اموال و ارث و حمایت از آن‌ها در خصوص تخلیۀ زمین را لغو کنند. آن‌ها باید قوانین وراثت بدون وصیت‌نامه را مطابق با تعهدات خود تحت کنوانسیون مطابقت دهند. علاوه‌براین، باید اقدامات لازم برای پایان دادن به شیوه‌هایی که زنان سال‌خورده را مجبور به ازدواج برخلاف ارادۀ خود می‌کند، اتخاذ کرده و اطمینان حاصل کنند که ارث‌ بردن، مشروط به ازدواج اجباری زن با برادرشوهر مرحوم یا هر شخص دیگری نیست.

۵۳. کشورهای عضو باید مطابق با اظهارنظر عمومی شمارۀ ۲۱، تعدد زوجات را منع کنند و اطمینان یابند که پس از مرگ شوهری با چند همسر، اموال او به‌طور مساوی میان همسران و فرزندان مربوط، به اشتراک گذاشته می‌شود.[[1]](#footnote-1)

1. لطفاً برای متن اصلی [اینجا](https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=CEDAW/C/GC/27&Lang=en) را نگاه کنید. [↑](#footnote-ref-1)